

حسین شعبانعلی فمی - دانشیار دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران

فضیله خانی* - دانشیار دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران

شهلا چوپچیان - دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه تهران

فرحناز رستمی - دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۳/۲۳ - تایید نهایی: ۱۳۸۷/۹/۶

چکیده

تحقیق حاضر با عنایت به اهمیت تعاونی‌ها در توانمندسازی زنان و لزوم بهبود عملکرد آن‌ها، با هدف بررسی عوامل متمایزکننده تعاونی‌های موفق و ناموفق زنان اجرا شده تا از این طریق به شناسایی شرایط موفقیت آمیز تعاونی‌ها دست یابد. این تحقیق از نوع توصیفی-پیمایشی بوده و جامعه آماری آن مشتمل بر ۱۲۸۱۹ نفر از اعضای هیات مدیره تعاونی‌ها و ۱۵۰۰ نفر از کارشناسان وزارت تعاون بودند. از بین این افراد ۱۵۳ نفر از کارشناسان و ۴۵۳ نفر از اعضای هیات مدیره به عنوان نمونه به شیوه چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی از پرسشنامه استفاده شد. روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات تنی چند از اساتید و کارشناسان مورد تأیید قرار گرفت و به منظور سنجش میزان پایایی ابزار تحقیق از آماره آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای مقیاس پرسشنامه اعضای هیات مدیره ۰/۹۷، و برای مقیاس پرسشنامه کارشناسان ۰/۸۴، بدست آمد که بیانگر قابلیت اعتماد مناسب این مقیاس‌ها برای سنجش مقیاس اصلی تحقیق است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش تحلیل خوشه‌ای و تحلیل تشخیصی در نرم افزار SPSS به کار گرفته شد. در این تحقیق شاخص ترکیبی عملکرد تعاونی‌های استان‌های مختلف کشور به عنوان یک متغیر مورد نظر بوده و به روش سلسله مراتبی مورد تحلیل خوشه‌ای قرار گرفت. به این ترتیب استان‌های منتخب بر حسب نحوه عملکرد طبقه بندی شدند. از طریق تحلیل تشخیصی نیز متغیرهای موثر بر عملکرد تعاونی‌ها شناسایی شدند. بر این اساس قدرت باز پرداخت وام، سرمایه در گردش، دارایی جاری، درآمد تعاونی و میزان بستانکاری از مهمترین متغیرهای اثرگذار بر موفقیت تعاونی‌ها شناخته شدند. سایر متغیرهای وارد شده به معادله نیز حاکی از نقش مدیریت مالی تعاونی‌ها به عنوان مهمترین عامل در ارتقای عملکرد آن‌ها می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تعاونی‌های زنان، عملکرد تعاونی‌ها، تعاونی‌های موفق، عوامل اقتصادی، ایران

مقدمه

امروزه ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط مقیاس یکی از راهبردهای ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها تلقی می‌شود. در این شرایط نقش دولت‌ها تدوین سیاست‌هایی است که یک محیط

توانمندساز برای حمایت و رشد این نهادها فراهم سازد. یکی از مهمترین اشکال این کسب و کارها تعاونی‌ها هستند.

بررسی فعالیت تعاونی‌ها در کشورهای مختلف حاکی از تجربیات متعدد و مفیدی است که می‌تواند راهگشای توسعه تعاونی‌ها در اقتصادهای در حال توسعه باشد. در این کشورها بخش تعاونی به عنوان یکی از بخش‌های اصلی زمینه ساز ایجاد فرصت‌های شغلی است. در فعالیت تعاونی برخلاف کارگران دارای مشاغل آزاد، افراد عضو، مالک ابزارهای تولیدی بوده و به طور مستقیم با خریداران و مصرف کنندگان رابطه دارند و واسطه‌ها را حذف می‌کنند. تعاونی‌ها ضمن این که منبع و ابزار اشتغال هستند، باعث توسعه قابلیت‌های رهبری فردی و جمعی مدیران تعاونی و اعضای آن نیز می‌باشند.

عوامل متنوع و مختلفی در ایجاد، گسترش و تداوم فعالیت این تعاونی‌ها مؤثرند که از مهمترین آن‌ها می‌توان به تاثیر عوامل مکانی-جغرافیایی اشاره کرد. این دسته از عوامل ضمن فراهم کردن شرایط لازم برای گسترش نوع خاصی از فعالیت‌های اقتصادی، می‌توانند در دسترسی به بازار مصرف، مواد اولیه، نیروی کار، کاهش هزینه‌های تولید و در نهایت موفقیت یا عدم موفقیت این موسسات تاثیرگذار باشند. علاوه بر این سیاست تمرکززدایی دولت منجر به اعمال حمایت‌های ویژه از برخی تعاونی‌های دور از مرکز شده که امکان رقابت را برای آنان فراهم نموده است. در کنار عوامل جغرافیایی، عوامل اقتصادی - اجتماعی نیز با تاثیرگذاری بر متغیرهای متمایزکننده سطوح موفقیت تعاونی‌های زنان در این امر دخیل می‌باشند.

تعریف تعاونی و روند توسعه آن‌ها

تعاونی به معنای وسیع عام آن که همانا مشارکت و همکاری دسته‌جمعی مردم در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی‌شان است، به اشکال گوناگون در طول تاریخ وجود داشته است و در واقع خصیصه اجتماعی زیستن انسان، زمینه ساز پیدایش تعاون بوده است.

نهضت تعاون از اوایل سده نوزدهم در اروپا ظهور کرد و تا اواخر این سده در این منطقه توسعه فراوانی یافت و تاکنون راه گسترش خود را ادامه داده است. دانشمندان زیادی از جمله شارل ژید، ژرژ فوکو، لوی بان، هرمان شولته دلش و فیلیپ بوشه در زمینه توسعه نهضت تعاون در جهان تلاش گسترده‌ای نموده‌اند و مسائل مربوط به تعاون را مورد بررسی قرار داده‌اند. تعاونی به عنوان یک تشکل اقتصادی-اجتماعی از اصول و قوانین خاصی تبعیت می‌کند.

در سال ۱۹۹۵ کنفرانس اتحادیه بین‌المللی تعاون در منچستر انگلستان برگزار و اصول جهانی تعاونی بر اساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران تعاون و تجربیات نهضت تعاون برای سده بیست و یکم به شرح زیر تدوین شد:

- عضویت اختیاری و آزاد،
- کنترل دموکراتیک توسط اعضاء،
- خودگردانی و عدم وابستگی،

- آموزش، کارورزی و اطلاع رسانی،

- همکاری بین تعاونی ها، و

- توجه به جامعه (اتحادیه بین المللی تعاون، ۱۳۷۷، ۲۷).

در ایران تعداد شرکت های تعاونی تا پیروزی انقلاب اسلامی ۲۱۷۴ واحد با ۲۲۹۶۸۲۷ عضو در قالب ۱۲۸ اتحادیه بوده است (رمضانی، ۱۳۸۰، ۱۵-۱۷). وقوع انقلاب اسلامی باور عمومی نسبت به تعاون را تغییر داد. نیروهای انقلابی خود را مظهری از تعاون یافتند و همکاری جمعی را الگو و الهام بخش تلاش های آینده قرار دادند. استراتژی توسعه تعاونی ها به عنوان رهیافتی مهم در توسعه روستایی مورد توجه دولتمردان و سیاستگذاران قرار گرفت و نه تنها به عنوان ابزاری کارآمد در ایجاد اشتغال روستایی قلمداد شد بلکه به عنوان هدف در توانمندسازی و توسعه جوامع روستایی به کار گرفته شد. با توجه به این رویکرد، زنان نیز به عنوان بخش مهمی از اقشار جامعه با مشارکت بیش از پیش در تعاونی ها نه تنها توانستند توانائی های خود را در توسعه این نهادها به نمایش گذارند بلکه زمینه جدیدی را در عرصه کار آفرینی برای خود گشودند زنان در قبل از انقلاب اسلامی به طور محدود در تعاونی های روستایی و شهری حضور داشتند که بیشتر، مشارکت آنان در سطح عضویت ساده مطرح بود ولی بعد از انقلاب اسلامی آنان با استفاده از فضای موجود حضور چشمگیری را در صحنه های مختلف اقتصادی از جمله تعاونی ها از خود بروز دادند که فراتر از عضویت توانستند در تاسیس، مدیریت و توسعه تعاونی ها نقش مؤثری ایفا نمایند. حضور تعداد کثیری از آنان در برخی تعاونی ها باعث شده که تعاونی های زنان مستقلاً رسمیت پیدا کنند (نعمتی، ۱۳۸، ۳۸). اگر چه حضور زنان در تعاونی های تولیدی اشتغالزا از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مطرح بوده است لیکن تشکیل تعاونی های ویژه آنان از ابتدای سال ۱۳۷۱ رشد فزاینده ای یافته است. در طی دهه گذشته زمینه حضور زنان در تعاونی ها بسیار متنوع بوده، به طوری که آن ها توانستند در رشته ها و فعالیت های اقتصادی مختلفی به تشکیل تعاونی ها اقدام نمایند. در شرایط کنونی نیز فعالیت های قابل توجهی در این زمینه انجام داده اند. تراکم حضور زنان بیشتر در رشته های فرش دستباف، صنایع دستی، صنایع بهداشتی، صنایع غذایی و آموزش بوده است (گزارش دفتر امور زنان وزارت تعاون، ۱۳۸۴، ۱-۲؛ عالی پور، ۱۳۸۰، ۴۶-۴۷).

بررسی وضعیت موجود تعاونی های زنان در ایران با بیش از ۵۰ درصد عضو زن نشان می دهد که برابر آخرین آمار ارائه شده تعداد این تعاونی ها به ۲۲۶۵۲ واحد در بخش های مختلف اقتصادی رسیده که تعداد کل اعضای آنان ۸۵۸۳۳۸ نفر می باشد. همچنین در این تعاونی ها ۳۳۵۷۴۲ نفر اشتغال دارند. در ضمن ۸۰۱۵ شرکت تعاونی های آموزشگاهی دخترانه با ۶۷۳۴۹۵ نفر عضو در سراسر کشور وجود دارد. همچنین سرمایه ثبتي تعاونی های زنان در سراسر کشور یک میلیارد و ششصد و نه میلیون و هفتصد و دو هزار و نهصد و نود و نه هزار ریال می باشد (وزارت تعاون، ۱۳۸۶).

توسعه تعاونی های زنان همانند سایر تعاونی ها تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد لیکن با توجه به عنایت ویژه دولت به این امر در دهه های اخیر بیشتر تحت تاثیر برنامه ها و سیاستگذاری های دولتی قرار گرفته به

گونه‌ای که جهت‌دهی نوع فعالیت‌ها و مکانیابی آن‌ها را به شدت متأثر نموده است. در سال‌های اخیر ایجاد، تقویت و بهبود عملکرد تعاونی‌های زنان به عنوان یکی از راهبردهای توانمندسازی زنان مورد توجه ویژه قرار دارد. با توجه به تجارب نسبتاً کمتر زنان در این امر شناخت و تسهیل شرایط موفقیت این تعاونی‌ها از مسائل مورد اهتمام دولت‌ها است. دستیابی به این هدف مستلزم شناخت عوامل و سازه‌های متمایز کننده تعاونی‌های موفق و ناموفق زنان از یکدیگر است.

پیشینه تحقیق

منوچهر ناهید (۱۳۶۴)، در پژوهشی تحت عنوان نقش شرکت‌های تعاونی در پیشرفت و توسعه کشاورزی، عوامل مؤثر بر موفقیت در شرکت‌های تعاونی روستایی را در شش دسته طبقه بندی کرده است: وجود همبستگی اجتماعی و اعتماد متقابل بین اعضا، یکنواختی احتیاجات و استمرار خواسته‌های اعضا، مدیریت حرفه‌ای و حاکمیت مدیریت مبتنی بر روابط انسانی در اداره تعاونی‌ها، وجود یک محیط سالم اقتصادی - سیاسی توانمندساز، ثبات وضع اقتصاد کلان، حمایت‌های سازمان‌های محلی و مرکزی از شرکت‌های تعاونی کوچک. غلامرضا طالقانی (۱۳۷۳) نیز در مطالعه‌ای تحت عنوان نقش شرکت‌های تعاونی روستایی در توسعه بازاریابی محصولات کشاورزی عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی را در موارد زیر بر می‌شمارد: اهمیت دادن به آموزش و ارائه یک برنامه آموزشی مدون بلندمدت و اصولی در سطوح مختلف برای اعضا و مدیران تعاونی‌ها، تغییر در سازماندهی و تشکیلات تعاونی‌های روستایی متناسب با اهداف، وظایف و نقش آن‌ها، واگذاری تعاونی‌ها به روستاییان و اداره آن توسط مردم و کاهش دخالت‌های غیر ضروری دولت، بازنگری در سیستم مدیریت و ساختار تعاونی‌ها، توجه بیشتر و اصولی‌تر به بازاریابی تولیدات تعاونی، تقویت کادر اداری موجود تعاونی‌ها و ارتقای کیفی آن‌ها، توجه به امکانات و تأسیسات زیربنایی مانند انبار و سردخانه، مشخص کردن نظام خدمات رسانی و نظام نظارتی و فنی بر محصولات تولیدی، ایجاد ارتباط بیشتر با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی.

رضا سرسختی عراقی (۱۳۷۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر عملکرد سازمان‌های تعاونی صیادی استان بوشهر» طبق نظریه ساخت‌گرایی به این نتیجه رسیده که تعاونی‌ها دچار جابجایی در هدف بوده و در آن‌ها بقای سازمان به یک هدف سازمانی اساسی تبدیل شده است. همین امر باعث شده تا اولاً عملکرد تعاونی‌های صیادی عمدتاً منفی باشد، ثانیاً عوامل فردی همچون میزان درآمد مدیرعامل، سواد، نوع شغل سابق و پنداشت مدیرعامل از اقتدار، بر وضعیت عملکرد تعاونی تأثیر بگذارند. در حالی که عوامل فردی دیگری از قبیل تجربه مدیریتی و سن مدیر بر وضعیت عملکرد تأثیری ندارند. او در نتیجه‌گیری خود نقش فعالیت‌های آموزشی ترویجی را بیش از سرمایه‌گذاری در بهبود عملکرد تعاونی‌ها مؤثر می‌داند.

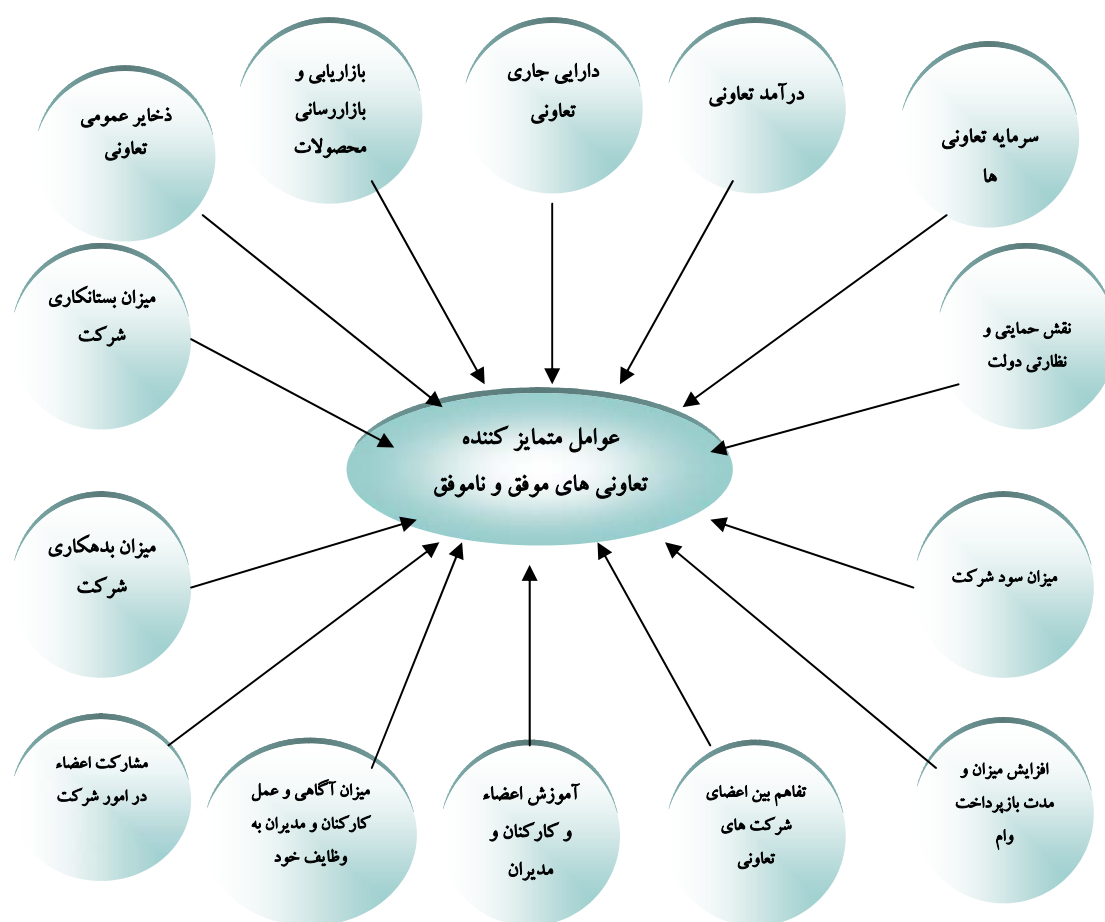
غریب چوپانی (۱۳۷۸) در مطالعه‌ای که در خصوص ارتباط فعالیت بازاریابی شرکت‌های تعاونی روستایی با توسعه روستایی در شهرستان کازرون انجام داده به این نتیجه رسیده که شرکت‌های تعاونی روستایی در زمینه بازاریابی موفق عمل نکرده‌اند. پرداختن به کارهای جنبی، کم توجهی به مدیریت کارا و کادر متخصص، کمبود

سرمایه و تأسیسات زیربنایی لازم، دخالت نامربوط نظارتی و بالاخره نبود مشارکت واقعی اعضاء در کلیه مراحل تصمیم گیری، نظارت و اجرای برنامه ها از جمله دلایل عدم موفقیت این شرکت ها بوده است. آموزش اعضاء و کادر شرکت ها برای آشنایی با اصول تعاون، تفکیک امور اصلی و فرعی به دلیل چند منظوره بودن آن ها، ایفای نقش حمایتی و نظارتی توسط دولت، در اختیار گذاشتن نهادهای کافی به اعضاء، افزایش میزان و مدت بازپرداخت وام، ایجاد تأسیسات زیربنایی مثل انبارها، سردخانه ها، سیلوها، و امثال آن ها، به کارگیری شیوه های جدید در جذب سرمایه اعضاء به منظور تقویت بنیه مالی شرکت ها و تشکیل شرکت های تعاونی بازاریابی از جمله پیشنهاداتی است که به منظور بهبود موفقیت شرکت های تعاونی روستایی در این مطالعه ارائه شده است.

کرم حبیب پورگنابادی (۱۳۸۱) در تحلیل شاخص های عملکرد شرکت های تعاونی روستایی بابل که در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد انجام شد به این نتیجه رسیده که بین اثربخشی آموزشی کارکنان، مشارکت اعضاء در امور شرکت و توانایی های کارکنان همبستگی معنی داری وجود دارد. نتایج این مطالعه نشان داد که میزان اثربخشی آموزشی کارکنان، میزان آگاهی و عمل کارکنان به وظایف خود و باور کارکنان به ارزش های تعاونی، بیشترین تأثیر را بر عملکرد شرکت های تعاونی داشته است. همچنین نتیجه یک مطالعه در بلیز نشان داد که موفقیت انجمن ها و تعاونی های زنان بستگی به عواملی نظیر سرمایه و بازاریابی و همچنین ایجاد تفاهم بین اعضای شرکت های تعاونی و احساس مسئولیت نسبت به کار تعاونی و همچنین دسترسی به بازار دارد (گابریل، ۲۰۰۲).^۱

بررسی و تحلیل ادبیات نظری تحقیق حاکی از شناسایی تعدادی از عوامل مؤثر بر عملکرد یا موفقیت تعاونی ها می باشد. با توجه به این که این عوامل یا سازه ها در ارتباط با تعاونی های زنان کشور هنوز بررسی نشده و شناخت جامعی از این موضوع وجود ندارد، تحقیق حاضر با هدف کلی بررسی و تحلیل عوامل متمایزکننده تعاونی های زنان از نظر میزان موفقیت، در ایران به اجرا درآمد. نتایج و یافته های این تحقیق دیدگاه مناسب تری به برنامه ریزان و سیاست گذاران توسعه تعاونی های زنان خواهد داد تا براساس آن راهکارها و راهبردهای توانمندسازی را در این زمینه شناسایی و تدوین نمایند.

براساس پیشینه تحقیق و بررسی ها و مشاهدات اولیه میدانی، تحقیق حاضر عوامل زیر را در تمایز تعاونی های موفق و ناموفق مؤثر می داند. این عوامل در قالب مدل نظری زیر ارائه شده است.



شکل ۱ مدل نظری عوامل موثر بر میزان موفقیت تعاونی ها

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ میزان، درجه کنترل، نحوه گردآوری و قابلیت تعمیم داده ها از نوع پیمایشی است و از نظر هدف جزو تحقیقات کاربردی به حساب می آید. جامعه آماری این تحقیق اعضای هیأت مدیره ($N1=12819$) و کارشناسان وزارت تعاون ($N2=1500$) بودند. دلیل اصلی انتخاب این دو گروه به عنوان جامعه آماری به این شرح است. با بررسی مشکلات تعاونی ها بر مبنای اطلاعات حاصل از مرور ادبیات مشخص شد که آن‌ها را می توان به دو دسته اساسی تقسیم نمود: مشکلات درونی و مشکلات بیرونی. با در نظر گرفتن ساختار مدیریتی تعاونی ها تصمیم بر آن شد که مشکلات از دیدگاه این دو گروه که ادراک آن ها با توجه به ماهیت رابطه شان با شرکت های تعاونی مکمل یکدیگر است، مورد بررسی قرار گیرد. کارشناسان وزارت تعاون بیشتر با عوامل محیطی و اعضای هیأت مدیره با عوامل درونی آشنا بودند. به منظور تعیین حجم نمونه ای که معرف جامعه آماری تحقیق باشد با در نظر گرفتن محدودیت های تحقیق و معیار ارائه شده توسط اسرئیل (۱۹۹۲) از هر یک از گروه های دو گانه اعضای هیئت مدیره و کارشناسان وزارت تعاون به ترتیب $n1=453$ و $n2=153$ به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه گیری به شیوه چندگانه و چند مرحله ای به اجرا درآمد، به طوری که بر این اساس

انتخاب استان‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، انتخاب اعضای هیئت مدیره شرکت‌های تعاونی به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب و انتخاب کارشناسان وزرات تعاون به روش تصادفی صورت گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات میدانی پرسشنامه بود که برای این منظور طراحی و تدوین شد. روایی ظاهری و محتوایی ابزار تحقیق با استفاده از نظرات تعدادی از اساتید دانشگاه و کارشناسان صاحب نظر در زمینه علوم اجتماعی و تعاون و تعدادی از اعضای جامعه آماری، مورد بررسی، اصلاح و تأیید قرار گرفت.

به منظور تعیین پایایی ابزار تحقیق ۳۰ نفر از هر کدام از اعضای جامعه آماری (اعضای هیئت مدیره و کارشناسان وزارت تعاون) پرسشنامه‌های تحقیق را تکمیل کردند، سپس با نرم افزار SPSS پایایی مقیاس‌های اصلی اندازه‌گیری تحقیق با معیار ضریب آلفای کرونباخ مود تأیید قرار گرفت. پارامتر آلفای کرونباخ برای مقیاس پرسشنامه اعضای هیأت مدیره ۰/۹۷ و برای مقیاس پرسشنامه کارشناسان ۰/۸۴ به دست آمد که بیانگر پایایی مناسب ابزار تحقیق می‌باشد.

داده پردازی و محاسبات این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد. مهمترین روش و تکنیک آماری به کار رفته در این پژوهش تحلیل خوشه‌ای است. تحلیل خوشه‌ای تکنیکی است برای گروه بندی افراد یا موضوعات به طوری که در این گروه بندی موضوعات درون گروه شباهت زیادی با همدیگر داشته، اما تفاوت قابل توجهی با گروه‌های دیگر دارند (کلاتتری، ۱۳۸۲، ۳۲۹). یکی دیگر از روش‌های مورد استفاده در این تحقیق برای تحلیل داده‌ها، روش تحلیل تشخیصی بود.

تحلیل تشخیصی ترکیب دو یا چند متغیر مستقل را که به بهترین وجه تفاوت دو گروه را تبیین می‌کنند نشان می‌دهد. این موضوع از طریق حداکثر کردن واریانس بین گروه‌ها نسبت به واریانس درون گروه‌ها بر مبنای یک قاعده تصمیم‌گیری آماری انجام می‌گیرد که به صورت نسبت واریانس بین گروه‌ها به واریانس درون گروه‌هاست. معادله عمومی تحلیل تشخیصی به شکل زیر است:

$$Z = W_1X_1 + W_2X_2 + \dots + W_nX_n$$

در این معادله:

$$X_i = \text{متغیرهای تشخیصی} \quad W_i = \text{وزنهای تشخیصی} \quad Z = \text{نمره تشخیصی}$$

در حالتی که متغیر وابسته تحقیق به صورت دو وجهی یا اسمی باشد، تحلیل تشخیصی را رهیافت دو قطبی می‌نامند. در این شیوه تنها دو گروه با هم مقایسه می‌شوند (کلاتتری، ۱۳۸۲، ۲۰۲). برای انجام تحلیل تشخیصی دو روش کلی برای وارد کردن متغیرهای مستقل به تحلیل وجود دارد که عبارتند از:

۱- روش وارد کردن کل متغیرهای مستقل به طور همزمان

۲- روش گام به گام

در این تحقیق از روش گام به گام استفاده گردید.

همچنین به منظور تفسیر یافته‌های تابع تشخیصی و تعیین اهمیت هر متغیر مستقل در تمیز گروه‌ها از همدیگر سه روش وجود دارد که عبارتند از:

الف) مقدار بخشی F

ب) وزن‌های تشخیصی استاندارد شده^۱

ج) همبستگی‌های ساختار تشخیصی^۲

زمانی که تحلیل تشخیصی به شیوه گام به گام محاسبه شود، مقدار F بخشی، می‌تواند برای تفسیر توان تشخیصی متغیرهای مستقل مورد استفاده قرار گیرد و هر متغیری که دارای مقدار F بزرگتر باشد، توان تشخیصی بیشتری خواهد داشت. مقدار همبستگی کانونی نیز برای متغیرها ۰/۷۷۴ محاسبه شده است که مجذور این عدد، نشانگر تبیین حدود ۶۰ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط این مدل ۱۱ متغیری می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

- تحلیل خوشه‌ای

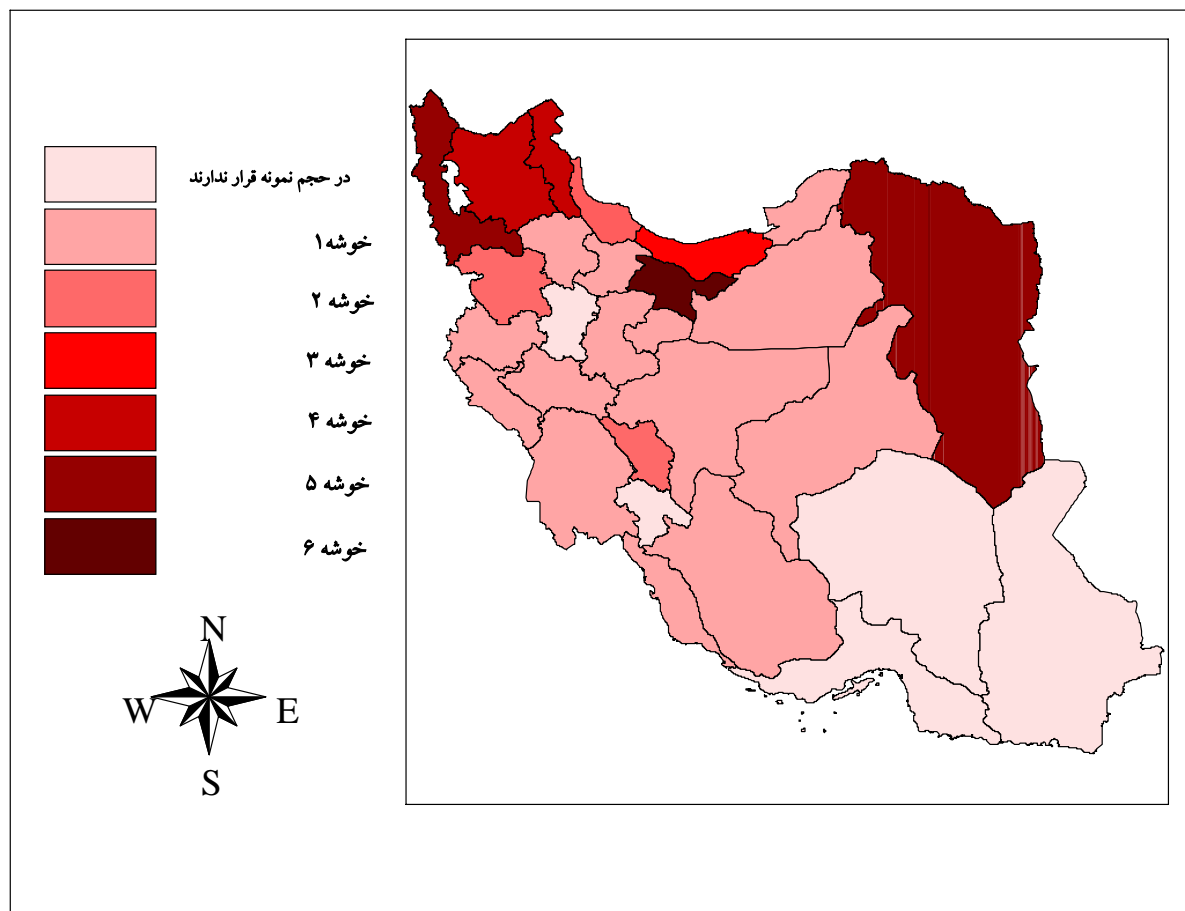
در این تحقیق شاخص ترکیبی عملکرد تعاونی‌های استان‌های مختلف کشور به عنوان یک متغیر در نظر گرفته شد و به روش سلسله مراتبی مورد تحلیل خوشه‌ای قرار گرفت. در این تحلیل همه روش‌های موجود برای رسم دندروگرام مورد آزمون قرار گرفت که خوشه‌های حاصله از روش‌های مختلف تقریباً مشابه بودند. لذا این تحلیل بر خوشه‌های حاصل از روش مرکز ثقل^۳ استوار گردید که نتایج آن در جدول ۱ آمده است. برای یافتن شاخص ترکیبی عملکرد تعاونی‌ها نیز مجموعه کاملی از متغیرهایی که عملکرد تعاونی‌ها را می‌سنجید مورد سؤال قرار گرفتند. سپس از طریق استاندارد کردن این شاخص‌ها، آن‌ها از مقیاس خارج و با یکدیگر جمع شده و شاخص ترکیبی عملکرد تعاونی‌ها به دست آمد.

به منظور بررسی چگونگی توزیع جغرافیایی تعاونی‌ها بر حسب میزان موفقیت با محاسبه شاخص ترکیبی عملکرد تعاونی‌ها، استان‌های مختلف مورد مقایسه قرار گرفته و سپس تعاونی‌هایی که عملکردشان بالاتر از میانگین عملکرد کل تعاونی‌ها بود، به عنوان تعاونی‌های موفق و تعاونی‌هایی که عملکردشان پایین‌تر از میانگین عملکرد کل تعاونی‌ها بود ناموفق ارزیابی شدند. سپس به منظور تشخیص عوامل موثر بر موفقیت تعاونی‌ها از تحلیل تشخیصی استفاده شد.

جدول ۱ خوشه‌های حاصله به روش سلسله مراتبی

خوشه ۱	خوشه ۲	خوشه ۳	خوشه ۴	خوشه ۵	خوشه ۶
-اصفهان -یزد -فارس -لرستان -قم -ایلام -زنجان -کرمانشاه -سمنان -قزوین -خوزستان -گلستان -مرکزی	-گیلان -چهارمحال و بختیاری -کردستان	-مازندران	-اردبیل -آذربایجان شرقی	-خراسان -آذربایجان غربی	-تهران

1. Standardized discriminant weights
2. Canonical correlation
2. Centroid method



شکل ۲. توزیع جغرافیایی تعاونی ها بر حسب نحوه عملکرد

همان طور که در جدول ۱ و شکل ۱ نمایان است، استان تهران از لحاظ عملکرد در سطح بالاتری نسبت به سایر استان ها قرار دارد. عامل دسترسی به مرکز که بالطبع موجب تسهیل شرایط موفقیت از جمله بازاریابی، دسترسی به خدمات مالی، برخورداری از حمایت های دولت به دلیل دسترسی به ادارات مرکزی و همچنین امکان استفاده از نیروی آموزش دیده و با سطح آگاهی بالاتر می شود، نقش مهمی در ارتقاء موفقیت این تعاونی ها داشته است. پس از استان تهران، استان های خراسان و آذربایجان غربی در سطح بعدی از عملکرد قرار دارند. نکته قابل توجه در موفقیت این دسته از تعاونی ها برخورداری از حمایت های دولتی و به خصوص پروژه های خاص زنان روستایی است که در زمینه فرآوری و بسته بندی محصولات کشاورزی اجرا شده است. بدین ترتیب ملاحظه می شود که مکان های مرزی مذکور توجه بیشتری را دریافت کرده اند. اردبیل و آذربایجان شرقی در خوشه چهارم جای دارند. غلبه ویژگی کشاورزی در این منطقه نیز زمینه شکل گیری تعاونی های زنان روستایی را فراهم نموده است که با حمایت های دولت به خصوص در زمینه بازاریابی، آموزش و اعتبارات همراه است. همجواری این مناطق با کشورهای همسایه فرصت مناسبی را برای گسترش فعالیت این تعاونی ها فراهم نموده است. استان مازندران به تنهایی در خوشه سوم به لحاظ عملکرد قرار دارد. این استان به لحاظ برخورداری از قابلیت های کشاورزی و نرخ بالای اشتغال زنان در آن موجب شده که زنان تجارب نسبتاً طولانی در حضور در عرصه های

اقتصادی و اجتماعی داشته باشند. این امر در ارتقای سطح آگاهی و قدرت چانه زنی آنان موثر واقع شده و زمینه موفقیت آنان را فراهم ساخته است. در عین حال درگیری بیشتر زنان در کارهای کشاورزی فرصت کمتری را برای تشکل آنان در تعاونی‌ها فراهم می‌سازد. استان‌های گیلان، چهارمحال و بختیاری و کردستان در درجات بعدی از لحاظ عملکرد قرار می‌گیرند.

نکته قابل توجه تفاوت جغرافیایی استان گیلان با دو استان هم‌تراز دیگر می‌باشد. در استان گیلان اگرچه زنان از دیرباز پایه‌پای مردان در فعالیت‌های کشاورزی مشارکت داشته و اصولاً تجربه خوبی در حضور اجتماعی و اقتصادی دارند لیکن غلبه کشت برنج در منطقه که به شدت به نیروی کار زنان وابسته است مجال کمتری برای فعالیت زنان در قالب تعاونی‌ها فراهم می‌سازد. از سوی دیگر ویژگی قومیتی دو استان چهارمحال و بختیاری و کردستان که فرصت کمتری را برای ظهور توانایی‌های مدیریتی زنان به وجود آورده، در کنار فعالیت‌های حمایتی گسترده دولتی در تقویت تعاونی‌های زنان موجب شده که این تعاونی‌ها عملکرد متوسطی را از خود بروز دهند. سایر استان‌ها که پهنه گسترده‌تری از کشور به خصوص در نواحی داخلی را پوشش می‌دهند و از عملکرد کم‌میش یکسانی برخوردار هستند، از نقطه نظر عملکرد نسبت به مناطق یادشده عملکرد ضعیف‌تری دارند. قرارگیری در مناطق صنعتی، تجربه اندک زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و ضعف این تعاونی‌ها در رقابت با سایر واحدها از جمله علل پایین بودن عملکرد این تعاونی‌ها است. اما با این وجود به دلیل فراهم بودن عواملی همچون حمایت‌های دولتی، اعتبارات مالی و بازار گسترده، فرصت‌های مناسبی برای رشد این نهادها وجود دارد. این نتایج می‌تواند راه‌گشای وزارت تعاون در برنامه ریزی فضایی و توزیع امکانات مادی و نیروی انسانی و اعتبارات باشد. در ضمن تعاونی‌های موفق می‌توانند الگویی برای سایر تعاونی‌ها تلقی شوند. از تعاونی‌های خوشه‌های اول تا سوم می‌توان به عنوان الگوی موفق برای سایر تعاونی‌ها در استان‌های هم‌جوار استفاده و از طریق برقراری پیوند بین آن‌ها زمینه رشد و توسعه تعاونی‌های کمتر موفق را فراهم نمود.

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل تشخیصی مقدار همبستگی کانونی محاسبه شده برای متغیرها معادل $0/774$ بود که مجذور این عدد، نشانگر تبیین حدود ۶۰ درصد از واریانس نمره تشخیصی توسط این مدل ۱۱ متغیری است. در تحلیل تشخیصی انتخاب متغیرها برای ورود به تحلیل بر مبنای حداقل لامبدای ویلکز انجام گرفت. متغیرها در ۱۱ گام بر اساس کمترین مقدار لامبدای ویلکز وارد تحلیل تشخیصی شدند.

جدول ۲ متغیرهایی که در گام های مختلف وارد تحلیل تشخیصی شده اند

گام	متغیر	مقدار تحمل ^۱	مقدار F	لامبدای ویلکز
۱	- میزان سود	۱	۸۵/۵۲۳	
۱۱	- میزان سود (X_5)	۰/۲۱۹	۱۱/۸۳۰	۰/۴۱۸
	- میزان بستنکاری (X_9)	۰/۰۲۹	۵۷/۸۹۹	۰/۴۸۲
	- دارایی جاری (X_3)	۰/۰۱۳	۲۶/۸۲۱	۰/۴۳۹
	- سرمایه در گردش (X_2)	۰/۰۱۸	۶۷/۱۸۳	۰/۴۹۵
	- میزان بدهکاری (X_{10})	۰/۰۴۰	۱۱/۸۹۱	۰/۴۱۸
	- بدهی جاری (X_4)	۰/۰۲۰	۲۹/۲۹۲	۰/۴۴۲
	- حقوق صاحبان سهام (X_6)	۰/۰۰۷	۲۸/۶۵۶	۰/۴۴۱
	- میزان بازپرداخت وام (X_8)	۰/۰۲۵	۲۲/۳۹۷	۰/۴۳۲
	- درآمد تعاونی (X_1)	۰/۰۶۵	۲۰/۴۶۴	۰/۴۳۰
	- هزینه استهلاک (X_{11})	۰/۰۵۳	۱۴/۶۶۷	۰/۴۲۲
	- ذخایر عمومی تعاونی (X_7)			

به علاوه مقدار کای اسکویر نیز برابر با $۲۶۷/۱۱۶$ بود که با درجه آزادی ۱۱ در سطح یک درصد معنی دار بود. این آماره بر معنی داری و قدرت تمیز خوب تابع تشخیصی دلالت دارد. جدول ۲ نشان دهنده متغیرهایی است که در تحلیل وارد شده اند و در معادله تشخیصی قرار می گیرند.

مقادیر ماتریس ساختار که در واقع نشان دهنده میزان همبستگی خطی بین هر متغیر و تابع تشخیصی است، در جدول ۳ آمده اند. به عبارت دیگر مقادیر ماتریس ساختار انعکاس دهنده مقدار واریانس است که توسط هر متغیر مستقل در خصوص تابع تشخیص تبیین می شود. همان طور که ملاحظه می شود این میزان همبستگی برای همه متغیرها در تابع تشخیصی نشان داده شده است.

بر اساس جدول ماتریس ساختار عامل میزان سود دارای بیشترین همبستگی با نمره تشخیصی است و بیشترین نقش را در تبیین مقدار واریانس کلی که توسط متغیرهای مستقل در خصوص تابع تشخیص تبیین می گردد ایفا می نماید. و میزان بدهکاری شرکت دارای کمترین همبستگی با نمره تشخیصی است.

¹ Tolerance

جدول ۳ مقادیر ماتریس ساختار در تابع تحلیل تشخیصی عملکرد تعاونی‌ها

مقادیر ماتریس ساختار	متغیرها
۰/۴۳۹	میزان سود (X_5)
۰/۲۹۹	درآمد تعاونی (X_1)
۰/۲۹۸	بدهی جاری (X_4)
۰/۲۴۵	سرمایه در گردش (X_2)
۰/۲۴۰	هزینه استهلاک (X_{11})
۰/۲۳۳	دارایی جاری (X_3)
۰/۲۲۴	میزان بستنکاری (X_9)
۰/۱۹۱	میزان بازپرداخت وام (X_8)
۰/۱۷۵	ذخایر عمومی تعاونی (X_7)
۰/۱۷۴	حقوق صاحبان سهام (X_6)
۰/۱۵۱	میزان بدهکاری (X_{10})

جدول ۴ ضرایب استاندارد شده و ضرایب استاندارد نشده تابع تشخیص یا متمایز کننده دو گروه تعاونی‌های موفق و ناموفق را مشخص می‌نماید. ضرایب استاندارد نشده، به منظور تعیین معادله تشخیصی یا متمایز کننده دو گروه تعاونی‌های موفق و ناموفق مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول ۴ مقادیر استاندارد شده و مقادیر استاندارد نشده تابع تشخیصی

مقادیر استاندارد شده تابع تشخیصی (Z_1)	مقادیر استاندارد نشده تابع تشخیصی (Z_1)	متغیرها
۳/۱۷۶	۱/۳۲	درآمد تعاونی (X_1)
۴/۱۳۶	۹/۹۲۲	سرمایه در گردش (X_2)
۳/۳۶۹	۷/۹۲۵	دارایی جاری (X_3)
-۱/۲۹۳	-۱/۲۷۴	بدهی جاری (X_4)
۰/۵۴۹	۳/۶۸۴	میزان سود (X_5)
-۲/۷۵۱	-۲/۶۹۶	حقوق صاحبان سهام (X_6)
۱/۲۳۹	۱/۵۰۵	ذخایر عمومی تعاونی (X_7)
۴/۵۷۹	۴/۵۶۶	میزان بازپرداخت وام (X_8)
۳/۰۹۹	۲/۲۶	میزان بستنکاری (X_9)
-۰/۴۱۵	-۷/۰۸۷	میزان بدهکاری (X_{10})
-۱/۳۰۳	-۱/۵۸۷	هزینه استهلاک (X_{11})
-	-۰/۷۰۳	ضریب ثابت

بر اساس مقادیر استاندارد نشده معادله تشخیصی متمایز کننده تعاونی‌های موفق و ناموفق را می‌توان به شرح

ذیل ارایه نمود:

$$Z = -0.703 + 1.32(x_1) + 9.922(x_2) + 7.925(x_3) - 1.274(x_4) + 3.684(x_5) - 2.696(x_6) + 1.505(x_7) + 4.566(x_8) + 2.26(x_9) - 7.087(x_{10}) - 1.587(x_{11})$$

مراکز ثقل گروه ها که در واقع میانگین مقادیر استاندارد شده (z-score) برای هریک از تعاونی های موفق و ناموفق را نشان می دهند، در جدول ۵ آمده اند. بر اساس این مراکز ثقل می توان تشخیص داد که موقعیت یک تعاونی از نظر موفقیت و یا عدم موفقیت چگونه است. با قرار دادن مقادیر متغیرهای تشخیصی یک تعاونی جدید در تابع فوق و محاسبه مقدار Z می توان این مقدار را با میانگین مراکز ثقل مقایسه و اگر مقدار به دست آمده کمتر از میانگین مراکز ثقل بود، آن تعاونی جزء تعاونی های ناموفق و اگر بالاتر بود جزء تعاونی های موفق است.

جدول ۵ مراکز ثقل تعاونی ها در تابع تشخیصی

مراکز ثقل	عوامل
-۰/۳۹۱	تعاونی های ناموفق
۳/۷۹۵	تعاونی های موفق

مقادیر استاندارد شده نیز اهمیت نسبی متغیرها در تابع تشخیصی را نشان می دهند. مقادیر بزرگتر حاکی از اهمیت بیشتر آن متغیر در تابع تشخیصی است. مقادیر استاندارد شده تابع تشخیصی جدول ۴ نشان می دهد که متغیرهای میزان بازپرداخت وام، سرمایه در گردش، دارایی جاری و درآمد تعاونی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر موفقیت و یا عدم موفقیت تعاونی ها داشته اند.

نتیجه گیری

رویکرد تعاونی یکی از بهترین سازوکارهای مشارکت مردمی نظام مند در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی است. که اشتغال و معیشت پایداری برای اقشار آسیب پذیر و کم درآمد ایجاد می نماید. این رویکرد راهکاری بسیار مناسب برای توانمندسازی زنان می باشد. چرا که گروهی از زنان به دلیل مسئولیت های چندگانه و دسترسی کمتر به برخی منابع قادر به راه اندازی کسب و کار مستقل نبوده و نمی توانند به تنهایی به اهداف اقتصادی و اجتماعی خود دست یابند. در ایران این رویکرد در دهه های اخیر مورد توجه و حمایت دولت بوده و تعاونی های زنان در طی سال های اخیر رشد چشمگیری داشته اند. بهبود عملکرد این تعاونی ها و رفع موانعی که با آن مواجه اند از مهم ترین دغدغه های سازمان های دولتی حمایت کننده است. در این مطالعه عوامل متمایز کننده تعاونی های موفق و ناموفق شناسایی شده اند که نتایج آن می تواند مورد توجه و استفاده سیاستگذاران و برنامه ریزان این بخش قرار گیرد. در تحلیل خوشه ای به عمل آمده تعاونی ها از نظر موفقیت به چند خوشه تقسیم شدند. نتایج این تحلیل می تواند در برنامه ریزی های فضایی وزارت تعاون که هدف آن توزیع مناسب و عادلانه امکانات در فضاهای جغرافیایی مختلف است مورد استفاده قرار گیرد. ضمن این که بر اساس این تحلیل، وزارتخانه مربوط قادر خواهد بود ارتباط تعاونی های موفق و ناموفق همجوار از نظر جغرافیایی را به گونه ای برقرار نماید که از پتانسیل و امکانات یکدیگر استفاده و از طریق این مبادله تحولی در رویکردهای مدیریتی تعاونی ها کمتر موفق ایجاد شود. تحلیل تشخیصی نیز مشخص نمود که چه متغیرهایی بر عملکرد تعاونی ها بیشتر تأثیر می گذارند. بر

اساس این تحلیل قدرت باز پرداخت وام، سرمایه در گردش، دارایی جاری، درآمد تعاونی و میزان بستانکاری از مهمترین متغیرهای تاثیر گذار بر موفقیت تعاونی‌ها هستند. نگاهی دیگر به سایر متغیرهای وارد شده به معادله نیز نشان می‌دهد که به طور کلی مدیریت مالی تعاونی‌ها مهمترین عامل در ارتقاء عملکرد آن‌ها است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود وزارت تعاون برای بهبود فرهنگ مدیریت مالی تعاونی‌ها و اعطای تسهیلات اعتباری و خدمات مشاوره‌ای در این زمینه، امکان رفع مشکلات تعاونی‌های کمتر موفق را فراهم و آن‌ها را از مسیر ورشکستگی یا سقوط نجات دهد. تهیه جزوات و نشریات ترویجی، دیسک‌های فشرده آموزشی، نرم افزارهای مدیریت مالی شرکت، اعطای تسهیلات با بهره پائین، برگزاری کلاس‌های آموزشی برای مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره در زمینه مدیریت مالی از جمله پیشنهادهایی است که برای بهبود عملکرد تعاونی‌های کمتر موفق ارائه می‌گردد.

منابع

- اتحادیه بین المللی تعاون، ۱۳۷۷، گزارش کار سی و یکمین کنگره بین المللی تعاون- منچستر، ۱۹۵۵، وزارت تعاون، تهران.
- ادیب زاده، حسین، ۱۳۷۹، شرکت‌های تعاونی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- پورگنابی، کرم حبیب، ۱۳۸۱، تعیین و تحلیل شاخصهای عملکرد شرکت‌های تعاونی روستایی در شهرستان بابل، پایان نامه، کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران.
- چوپانی، غریب، ۱۳۷۸، تحلیل کارکرد بازاریابی شرکت‌های تعاونی روستایی و ارتباط آن با توسعه روستایی مطالعه موردی کازرون، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضایی، محمدرضا، ۱۳۸۰، "تصویری از تحولات تعاونی‌های ایران و نقش اتاق تعاون در توسعه تعاون"، فصلنامه همیار، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۰۲-۹۶.
- سرسختی عراقی، رضا، ۱۳۷۶، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر عملکرد سازمانی سازمان‌های تعاونی صیادی استان بوشهر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- سلطانی نیا، حسین، ۱۳۷۲، بررسی نقش تعاونی‌ها در تولید و صادرات فرش دستباف ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- طالقانی، غلامرضا، ۱۳۷۳، نقش شرکت‌های تعاونی روستایی در توسعه بازاریابی محصولات کشاورزی، ماهنامه دانش مدیریت، شماره جدید، بهار.
- طه، مهدیه و میرعابدینی، هومن، ۱۳۷۶، مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی، مجموعه مقالات گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، تهران، نشریه شماره ۳.
- عالی پور، زهره، ۱۳۸۰، تجربه کارآفرینی زنان در جمهوری اسلامی ایران (تعاونی - خصوصی)، نشریه تعاون، وزارت تعاون.
- گزارش دفتر امور زنان وزارت تعاون، ۱۳۸۴، وضعیت تعاونی‌های ایران، وزارت تعاون، تهران.
- گنجی، معصومه، ۱۳۷۵، بررسی موانع و مشکلات شرکت‌های تعاونی مصرف، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی.

- میرمحمدی، سید محمد، ۱۳۸۰، تصویر از تحولات تعاونی های روستائی ایران، فصلنامه همیار، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۸۷-۹۵.
- ناهید، منوچهر، ۱۳۶۴، نقش شرکت های تعاونی در پیشرفت و توسعه کشاورزی، تهران، انتشارات مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی.
- نعمتی، مریم، ۱۳۸۲، نقش تعاونی های روستائی زنان در روند توسعه پایدار، در کشاورزی و صنعت، تهران، وزارت جهاد کشاورزی، شماره ۴۴.
- وزارت تعاون، ۱۳۸۶، گزارش وضعیت تعاونی های زنان در کشور، تهران .

- Gabriel, S.J, 2002, Belize rural woman's association revolving loan fund and woman's cooperatives UNDP report2002.
- International Land Coalition, 2005, supporting rural woman by securing their land tenure and their productive structures, Nicaragua: www.Landqualition.org
- Stephen P, 1996, Organizational Behavior Management, Publisher: Prentice-Hall International, Inc.